

آینه



زندہ باد شفافیت

● رفتار دولت در زمینه اعمال شفافیت نسبی در بودجه می‌تواند سرمشق همه ما در مسیر مشخص‌کردن موقعیت کشور در حوزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصاد و امور اجتماعی باشد. رفتار هوشیارانه دولت فرصت‌های تازه‌ای برای نظام ایجاد می‌کند. شفافیت و امکان نسبی برپرسگری، اجبار پاسخ‌گویی به افکار عمومی و میل به نیک‌نامی و آسودگی از انواع پیگردها، در روندی کند؛ اما خوش‌ثمر، اعتماد عمومی را به دولت و نهاده‌های ناظر افزایش خواهد داد و نتیجه نهایی آن تقویت نظام، دوشردن از وضعیت‌های شکننده و قرارگرفتن در مسیر اصلاحات است. دولت با رفتار خود در تقدیم لایحه به شکل موجود، سهمی در این مسیر ادا کرد. جای آن دارد رئیس مجلس، فراکسیون امید و سایر نمایندگان مجلس که در کمیسیون بودجه فعالیت می‌کنند، ترتیبی برای آگاهی جامعه از مشروح بحث‌های بودجه‌ای کمیسیون بودجه مجلس اتخاذ کنند. این اولین گام مجلس برای مشارکت در روند شفافیت بودجه‌ریزی و آموزش‌دهنده جامعه و آگاهی‌بخش آن از گرفتاری‌های موجود در اقتصاد کشور خواهد بود.

انتقاد

نابرابری حقوقی؛ تبعات منفی یک نگرش نادرست عباس عبیدی: ... نابرابری در برابر قانون اصل حاکمیت قانون را نقض می‌کند و به جای آن اراده و مصلحت را می‌نشانَد. البته رعایت مصلحت عنصر مهم در اداره کشور است، ولی این کار در جایی جز دستگاه قضائی باید صورت گیرد. هیچ چیز تبعیض‌آمیزی زبان‌بازتر از تبعیض قضائی و حقوقی نیست. در این صورت چنان نمی‌شد که این کشگر محترم اصولگرا به‌سادگی بگوید: «در دولت نهم و به‌خصوص دولت دهم حرف‌های ساختار شکنانه و اقدامات خلاف قانون زیادی انجام شده». جالب‌تر اینکه، رفتار اخیر احمدی‌نژاد را به علت همان گذشته چیز جدیدی نداند. کوئی که یک نفر را متهم به قتل کند، بعد بگویم چیز جدیدی نیست، ولش کنبد، متهم قبلاً نیز افراد زیادی را کشته! این رفتار و نگاه، خالت سیاسی در وظایف قضائی است و در صورت توصیه به آن اعتبار امر قضائی را زایل می‌کند و این بزرگترین زبانی است که می‌توانیم با دشمن خود به جامعه وارد کنیم، حتی اگر نیت و انگیزه خیرخواهانه‌ای داشته باشیم.

شروند

تنها حکمت اعمال قانون است آقای دادستان ● مهرداد پاشپور:
ظاهراً ریاست محترم دولت‌های نهم و دهم به‌زعم خویش درصدد افشای وجود فساد گسترده در قوه قضائیه هستند، به‌گونه‌ای که این فساد آن‌چنان گسترده و ریشه‌دار است که کیان نظام را با خطر مواجه کرده تا حدی که نمی‌توان از آن گذشت و آن را نادیده گرفت. مذاقه در مفاد سخنان ایشان به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند که بخشی از آنچه ایشان درحال‌حاضر به آن معتقد هستند، در زمان تصدی ایشان به مقام ریاست‌جمهوری واقع شده و چنانکه ایشان ادعا دارند، آن وقایع و رخداد‌های ناگزیر اکنون در قوه قضائیه نیز وجود دارد. سخنان آقای احمدی‌نژاد و همراهان ایشان در ساده‌ترین تفسیر، اخبار برواقع‌ای می‌نمایند که ایشان در مقطعی از زمان که این اعمال چنان‌که ایشان گفته‌اند، در حال وقوع بوده و این اخبار یعنی مسئولیت ایشان ناشی از عدم اجرای قوانین عالی و عادی کشور به‌دلیل عدم انجام تکلیف قانونی انکارپذیر نیست... بنابراین وجه دیگر و قالب این سخنان معطوف به صاحب سخن است که مسئول اجرای قانون اساسی در کشور بوده‌اند و مسئولیت حقوقی برای ایشان غیرقابل اجتناب است.

کیست آن

بحران‌های معجزه‌ساز

● شاید برای عده‌ای باورکردنی نباشد، اما ما مسلمانان به معجزه عادت داریم. بسیاری از تحولاتی که با هدف براندازی یا تضعیف جمهوری اسلامی ایران از آن سوی آب‌ها برنامه‌ریزی و با هزینه‌های سنگین تدارک دیده شده‌اند، یکی پس از دیگری به در بسته می‌خورند. برخی با هوشیاری مردم و مسئولان، برخی به برکت حضور نیکگانی همچون سردار سلیمانی، برخی به برکت خون شهدایی مثل حججی و برخی نیز با اتفاقاتی شبیه به چیزی مثل... معجزه؛ بازگشت قدس و مسئله فلسطین به صدر مسائل جهان اسلام، رسواشدن کشورهای مرتجع عربی حاشیه خلیج فارس، انزوای عجیب آمریکا و عربستان، آغاز انتفاضه چهارم، افزایش نفرت از آل‌سعود در منطقه، هواشدن فتنه شیعه و سنی و... از جمله مواردی هستند که به نوشته کارشناسان طی همین یک هفته گذشته و به‌دنبال حماقت ترامپ درباره قدس به نفع ایران، مقاومت و متحدانش حاصل شده... در بیانیه پایانی نشست اسلامبول اعلام شده کشور‌های شرکت‌کننده در این اجلاس، «قدس شرقی» را به‌عنوان پایتخت فلسطین، به رسمیت می‌شناسند! این یعنی «قدس غربی» برای اسرائیل بماند! همان چیزی که موگرنی، ترامپ و حتی یوتین و نتانیاهو به‌شدت به‌دنبال آن هستند! راز تمام سروصدا‌های اردوغان و حتی برگزاری چنین نشستی می‌تواند همین نکته باشد؛ تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین و تقسیم قدس بین آنها.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

روایت رئیس قوه قضائیه از جلسه مجمع تشخیص

احمدی‌نژاد به شمشخانی چه گفت



محمد مهدی مصیری، رئیس هیئت منصفه

محاکمه به‌صورت غیرعلنی برگزار شود. من شخصا هیئت‌علنی‌بودن محکامات نیستم.

بابک زنجانی

پرونده بابک زنجانی را به‌عنوان یکی از موارد کم‌کاری قوه‌قضائیه مطرح می‌کنند. این شخص بیش از دویملیارد دلار پول بیت‌المال را برداشته و نمی‌گوید که این پول کجاست. بارها تیم‌هایی از سپاه، حفاظت اطلاعات قوه‌قضائیه، وزارت اطلاعات، دادستانی و وزارت خارجه به کشورهای مختلفی که این‌فرد مدعی بوده در آنها مبالغی دارد، اعزام کرده‌ایم، اما اثری از این پول‌ها نیست. وکیل آقای زنجانی به مسئولان ذی‌ربط گفته بود تیمی از تاجیکستان قرار است به ایران بیایند تا درباره پرداخت پول صحبت کنند، اما شما باید تعهد اینکه بیشتر پرده این قضایا مشخص شود که چه کسانی از بابک زنجانی حمایت کرده‌اند. حسب برخی گزارش‌ها این فرد مورد حمایت چهارتن از وزرای سابق و شخص رئیس‌جمهور پیشین بوده است. البته بنده به این گزارش‌ها یقین ندارم، اما به‌رحال باید پول مردم برگردد.

پرونده فاضل لاریجانی

در زمانی که کشور از نظر اقتصادی و سیاسی دچار بحران بود، مقام معظم رهبری در جلسه‌ای به بنده، رئیس مجلس و رئیس‌جمهور سابق فرمودند که امروز سرنوشت کشور به دست شماست. ببینید چه می‌گویید و این وظیفه را چگونه انجام می‌دهید. هرکس در این فضا تشنج ایجاد کند، برخلاف امنیت کشور عمل کرده و مرتکب خیانت شده است. دیدیم که در پی استیضاح وزیر کار سابق، رئیس‌جمهور وقت در مجلس حضور یافت و با پخش برخی تصاویر که هیچ ارتباطی به موضوع استیضاح نداشت، به‌گونه‌ای القا کرد که همه مشکله کشور از ناحیه رؤسای دو قوه دیگر است. این به فرموده مقام معظم رهبری خیانت نبود؟

آقای مرتضوی (مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی) را به‌همراه دو قاضی سراغ اخوی بنده فرستادند و گفتند در فلان موضوع به ما کمک کنید. برادر ما اظهار کرد که به اخوی بفرستید گفت و از آنها خواسته بود که در یکی از شرکت‌های فلان آقا کار کند و حقوق و مسکن دریافت کند. به او گفتند که این موضوع را بنویس، اما او از این کار امتناع کرده بود. این جلسه را ضبط کرده بودند، اما کیفیت آن مناسب نبود. به‌همین‌دلیل اقدام به تجهیز سقف آن مکان به ابزار شنود کردند و در یکی از ساعت‌های موجود در اتاق نیز دوربین فیلمبرداری کار گذاشتند. سخن من این است که جرم‌هایی به این واضخی را نمی‌بینید؟

مدتی بعد آقای مرتضوی از طریق رئیس دفتر این‌جانب پیغام داده بود که با بنده حرف مهمی دارد. من گفتم که با ایشان گفت‌وگوی خصوصی ندارم. باز هم پیغام فرستادند که یک مسئله سری و در ادامه یک موضوع فوق سری را باید به اطلاع من برسانند. مجدداً گفتم که من با ایشان هیچ موضوع

سری ندارم. اگر بنده اهل معامله، بده‌بستان و لاپوشانی بودم، طبیعتاً باید ایشان را به حضور می‌پذیرفتم؛ زیرا می‌خواستند با استفاده از همین تصاویر و آنچه به گمان خودشان اسناد و مدارکی علیه اخوی بنده بود، امتیازاتی بگیرند.

همان زمان فیلم منتشرشده از برادر خود را به آقای محسنی‌اژه‌ای و همچنین آقای جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران، دادم و گفتم این فیلم را ببینید و اگر جرمی ارتکاب یافته، اعلام جرم کنید. بنده برای برادر خود هیچ امتیازی قائل نشدم؛ اما از طرفی هم نمی‌توانستم به او ظلم کنم؛ زیرا جرمی دراین‌میان اتفاق نیفتاده بود. درباره برخی ادعا‌های مطرح‌شده علیه برادر دیگر من نیز بحث زمین‌خواری را مطرح می‌کنند. در زمان حضور آقای آوایی در دادگستری استان تهران به قاضی پرونده اخوی که یک فرد روحانی هم بود، در حضور رئیس کل دادگستری گفتم که باید نسبت به برادر من مثل دیگران رفتار کنی. البته به خاطر شایعات نیز نباید در حق او ظلم شود؛ اما اگر متوجه شوم که به خاطر نسبت ایشان با من کوچک‌ترین امتیازی نسبت به او قائل شده‌ایم، اولین شاکی شما خود من خواهم بود و به دادسرای انتظامی قضات معرفی خواهید شد. به اخوی خود هم گفتم اگر این زمین را برخلاف قانون تصرف کرده‌ای، باید آن را برگردانی که ایشان نیز گفت، من تسلیم نظر دادگاه و قاضی هستم. این پرونده مربوط به تعیین حدود یک زمین خریداری شده بود و ظاهراً مدتی است که حکم آن نیز قطعی شده است. ظاهراً بخشی از حق را به ایشان داده‌اند؛ اما در جریان جزئیات آن نیستم. هرکس معتقد است که در این پرونده برخلاف قانون حکمی صادر شده، می‌تواند این موضوع را با ادله معتبر اعلام کند و بنده پیگیری خواهم کرد.

روابط سران قوا

هیچ پشت‌پرده‌ای درباره دولت و شخص رئیس‌جمهور وجود ندارد و همه مناسبات ما به همان شکلی است که به صورت آشکارا همه مردم می‌بینند. ممکن است من معتقد باشم که شخصی در دولت حضور دارد که واجد صلاحیت حضور در آن جایگاه نیست؛ اما قوه مجریه را مساوی با یک مسئول نمی‌دانم و معتقدم که نباید دولت را تخریب کرد؛ زیرا تخریب دولت هیچ تفاوتی با تخریب قوه قضائیه ندارد. درخصوص حمایت از شخص رئیس‌جمهور نیز در جایی که ایشان کار درستی انجام می‌دهند یا سخن برحق می‌گویند قطعاً حمایت می‌کنیم.

انتظارات از قوه قضائیه

قوه قضائیه در عین دارابودن اختیارات فراوان محدودیت‌های قابل‌توجهی هم دارد. برخی می‌گویند اختیار قوه قضائیه از مقام معظم رهبری نیز بالاتر است، این سخن خلاف است. اولاً رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری است و لذا مشروعیت فعالیت او در این سمت صرفاً با نصب رهبری است؛ و لذا در طول اختیارات رهبری و تأتیا هرکسی در کشور وظیفه‌ای برعهده دارد. مطمئناً مقام معظم رهبری قضاوت نمی‌کنند، اما وظایف و مسئولیت‌های بسیار سنگین و متعدد دیگری دارند. برخی از همین افراد اجازه نمی‌دادند ما قاضی استخدام کنیم و بر سر این موضوع جنجیدیم. این آقایان بگویند که در دوره خودشان با وجود آن همه تلاش و درخواست، برای بهبود وضعیت نیروی انسانی و عدم اطاله دادرسی در قوه قضائیه که منوط به بودجه کافی بود، چه کردند؟

الزام قاضی به امری غیر از نظر شخصی‌اش را جایز نمی‌دانم

برخی مدعی هستند که آرای برخی افراد را بنده پیش از رسیدگی قضائی صادر کرده‌ام. این ادعا صددرصد کذب است.. چنین کاری خلاف نظر و مشی بنده است و به لحاظ فقهی نیز اساساً الزام قاضی را جایز نمی‌دانم. در پرونده فرزند یکی از مسئولان سابق نیز به قاضی دیوان‌عالی عدلانه موظفید هر آنچه را که در مورد آن به ا قناع وجدانی رسیده‌اید در رای خود بنویسید و به خاطر نظر من، آخرت خود را ویران نکنید.

ادامه در صفحه ۱۵



پیدا نمی‌کرد و آن را سیاسی می‌دانست. این دو چندین مصاحبه تصویری نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند و در آن به انتقاد مستقیم از دستگاه قضائی پرداختند. در یکی از این مصاحبه‌ها، احمدی‌نژاد ادعا کرد که در مورد پرونده ستار بهشتی، وبلاگ‌نویسی که در سال ۹۱ فوت کرد، با رئیس قوه قضائیه بحث کرده و سر او فریاد کشیده است. یا در جایی به طعنه گفته بود: «بچه‌هایم جاسوس نیستند، برادرانم کار جاق کن نیستند، برادرانم زمین‌خوار نیستند...». آیت‌الله آملی‌لاریجانی هم در این نشست، تلاش کرد به این ابهامات و اتهامات پاسخ دهد.

آیت‌الله آملی‌لاریجانی، رئیس قوه قضائیه در نشستی با ۵۰ نفر از دانشجویان و مسئولان تشکل‌های دانشجویی دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش میزان، آیت‌الله آملی‌لاریجانی در این نشست هشت‌ساعته درباره عوامل ازدیاد پرونده‌ها، ادعا‌های محمود احمدی‌نژاد و حمید بقایی، حکم اعدام بابک زنجانی، پرونده فاضل لاریجانی، حساب‌های قوه قضائیه، علنی‌بودن دادگاه‌ها و... صحبت کرده است که چکیده آن در ادامه می‌آید.

سیاه‌نمایی علیه قوه قضائیه

برخی ادعا می‌کنند مقصر اصلی در شکل‌گیری پرونده‌های قضائی، قوه قضائیه است. در حال‌حاضر سالانه قریب به شش میلیون پرونده با شماره یکتا به محاکم دادگستری وارد می‌شود. برخی می‌گویند اگر دستگاه قضائی سالم باشد نباید این میزان پرونده داشته باشیم. دو همسایه با یکدیگر دعوا

می‌کنند و به دادرسا شکایت می‌برند. قوه قضائیه باعث دعوای آنها شده است؟ گاهی سیاه‌نمایی‌ها علیه قوه قضائیه از جایب است. برخلاف ادعای برخی، وجود ۱۵میلیون پرونده خود دلیل بر اعتماد مردم به قوه قضائیه است. برخی پاسخ دادند که مردم گزینه دیگری ندارند و از روی ناچاری به دستگاه قضائی مراجعه می‌کنند. استدلال من این است که اگر فرد به صورت کامل از یک مرجع قطع‌امید کرده باشد، مراجعه او به یک مرجع توجیه عقلانی ندارد. همین‌که از باب ظن و گمان احتمال می‌دهند که شاید به حق خود برسند، نشان می‌دهد که از قوه قضائیه ناامید نیستند.

لایحه پیشگیری از وقوع جرم

رئیس‌جمهور سابق، مخالف سرسخت لایحه پیشگیری از وقوع جرم بود و می‌گفت کار شورای‌عالی پیشگیری از وقوع جرم، دخالت در امور اجرائی است. در این دولت نیز مخالف بودند. زیرا رئیس شورای‌عالی پیشگیری از وقوع جرم رئیس قوه قضائیه است و دوستان می‌گویند شما در این شورا موضوعی را تصویب می‌کنید که ممکن است دخالت در کار اجرائی باشد. نهایتاً بعد از جلسات متعدد در کمیسیون حقوقی مجمع تشخیص، مطلبی را تدوین کردیم که در صحن مجمع دستخوش دگرگونی‌های اساسی شد و با توجه به توصیه رئیس‌جمهور که می‌گفت چیزی ننویسید که دست قوه مجریه را ببندد، نهایتاً ما برای خروج از بن‌بست پیشه‌های دادیم که موضوعات ما شورا با تأیید هر سه رئیس قوه قابل‌اجرا باشد که معتقدم چنین سازوکاری موجب می‌شود عملاً دستاورد مفیدی از این شورا نداشته باشیم. آیا در این زمینه قصور از قوه قضائیه است؟

سیاسی‌کردن پرونده‌ها

برخی به قوه قضائیه اتهام سیاسی‌کاری می‌زنند. در پرونده‌ای که اخیراً بر سر آن جنجال به‌پا کردند، صرفاً اتهامات مالی مطرح بود؛ البته احضار‌های اخیر در این پرونده به دلیل نسبیت‌های خلاف‌واقع و توهین‌هایی بود که صورت گرفت. این جریان با تصور اینکه روند عادی پرونده ممکن است منتهی به محکومیت آنها شود، تلاش کردند موضوع را سیاسی جلوه دهند که بست‌نشینی یکی از نتایج این رویکرد بود. اگر قرار باشد هرکسی که برایش کفرخواست صادر می‌شود، بست بنشیند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. حال باید پرسید که آیا قوه قضائیه برخورد سیاسی با این موضوع کرده است یا این افراد؟

«فرزندان ما جاسوس نیستند»، کنایه است

برخی افراد با شیطنت می‌گویند که فرزندان ما جاسوس نیستند و بعد هم مدعی هستند که ما تهمتی نزدیک یک جمله سلبی گفته‌ایم. هر فرد عادی هم می‌داند که بسیاری از کنایات، رساتار از تصریح است. بسیاری از دلالت‌ها در زبان مستقیم نیست، بلکه با کنایه و استعاره است. همین آقا (محمود احمدی‌نژاد) در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام به دبیر شورای‌عالی امنیت ملی می‌گوید از جاسوسی دختر فلانی چه خبر؟ ایشان پاسخ می‌دهد که این ماجرا از اساس دروغ است. به او می‌گویند شما مطلع نیستید، ما اطلاع دقیق داریم که او بازداشت است و آدرس دقیق محل بازداشت او را هم می‌دانیم. آخر می‌شود انسان این مقدار دروغ بگوید و از مسیر انصاف و تقوا دور شود؟!

روی اصلی سخنان رئیس قوه قضائیه در نشست با دانشجویان به سمت رئیس دولت نهم و دهم و اطرافیان او بود. محمود احمدی‌نژاد و حمید بقایی که این روزها پرونده او در دستگاه قضا مورد بررسی قرار گرفته است، در چند وقت اخیر بارها قوه قضائیه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. آنها حتی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی بست نشستند و سخنان تندى را علیه شخص آیت‌الله آملی‌لاریجانی به زبان آوردند. در یکی از این بست‌نشینی‌ها، احمدی‌نژاد به صورت علنی اعلام کرد که با برادران لاریجانی مشکل دارد. حمید بقایی نیز در جلسات دادگاه خود حضور

روزنه

مرعشی:

«آی‌کی‌یو» بالا

مشکل کارگزاران و خانواده هاشمی!

● **حسین مرعشی** در گفت‌وگو با سایت خانه ملت درباره موضوعات مختلفی از جمله تعریفی از اصلاح‌طلبی هاشمی و کارگزاران و ثروت‌اندوزی خانواده هاشمی گفت‌وگو کرده که اهم آن در پی می‌آید:

● ثروت‌اندوزی شخصی و سوءاستفاده از مناصب حکومتی حتما مذموم است ولی مردم و کشور را ثروتمندکردن، حتما امر پسندیده‌ای است. آقای هاشمی دنبال این بودند که ایران توسعه پیدا کند و مردم ثروتمند شوند و عده‌ای که نمی‌توانستند این را بفهمند، این فضا را علیه آقای هاشمی راه انداختند.

● در ایران همیشه یکی از درگیری‌ها، درگیری بی‌هنران با بهائیان است. مشکل ما، مشکل آی‌کی‌یومان است؛ آی‌کی‌یوی ما یک مقدار بیشتر از دوستان دیگرمان است؛ مشکل کارگزاران و خانواده آقای هاشمی این است که مقداری آی‌کی‌یو بالایی دارند و می‌فهمند که کشور را نمی‌توان با توزیع پول نفت اداره کرد و نمی‌شود کشور را با نگه‌داشتن ظرفیت‌ها و اجرا نکردن پروژه‌ها حفظ کرد. اگر کشور می‌خواهد رشد کند و مردم رفاه داشته باشند، زیرساخت‌ها باید توسعه یابد. اینها را ما می‌فهمیم و سال‌ها هم گفته‌ایم.

● اصلاً با زن موافق نیستم. آی‌کی‌یو را همه دارند اما بعضاً از آن استفاده نمی‌کنند. زن برتر می‌شود نژادپرستی و خیلی چیز بی‌بیطی است. بعضی دوستان ما در جمهوری اسلامی منافع کوتاه‌مدتشان را بر منافع درازمدت ملت ترجیح می‌دهند، خوب می‌فهمند که بعضی کار‌ها چه تأثیری دارد.

● اینکه این خاتم (دانشور) مدعی است که از او طلب پول کردند، من می‌دانم شما هم می‌دانید که آن فرد اگر بیشتر از این هم پول می‌خواستند که باید در لیست پول می‌داد اما واقعیت این است که همه کسانی که می‌توانستند با پول وارد لیست شوند در لیست نیستند و این لیست، لیست ختمی است؛ حداقل از این باب‌ت که بعضی‌ها در آن نیستند، لیست خوبی است و هیچ کاسبی تقریباً در آن نیست.

● جریان سوومی در ایران وجود ندارد اگر قرار بود کسی در ایران جریان سوومی درست کند، مرحوم آقای هاشمی بود.

● قاعدتاً با اصلاح‌طلبیم؛ ما اصلاح‌طلبی را بنیان گذاشتیم و اصلاح‌طلبی را ما تدوین کردیم؛ رقابت‌های مجلس پنجم را ما مدیریت کردیم، در مجلس ششم و در انتخابات ریاست‌جمهوری دور اول آقای خاتمی هم ما رکن اصلی بازی سیاست بودیم و آقای هاشمی اولین اصلاح‌طلب ایران است. اگر خاطراتن باشد پیش از دوره آقای هاشمی حتی ویدئو هم قاچاق بود اما پس از آن رشد سینما، رشد ویدئو و رشد دانشگاه در زمان آقای هاشمی اتفاق افتاد و سیاست‌های آقای هاشمی، سیاست‌های اصلاح‌طلبانه‌ای بود و در جبهه اصلاحات به معنی امروزی یک‌سری نیرو‌های رادیکال‌تری ظاهر شدند که اینها حرف‌های جدید زدند و این حرف‌ها با اقبال مردم مواجه شد و ما یعنی کارگزاران و آقای هاشمی با آن موج همراهی نکردیم چون می‌دانستیم برمی‌گردد و این موجی است که نمی‌ماند و صبر کردیم تا ملاحظمت آن دوستان نیز به جریان میانه بازشتند.

● آقای خاتمی هم مورد حمایت آقای هاشمی بود و یک بخش از رای ایشان برای حمایت کارگزاران و دولت آقای هاشمی از ایشان بود و آن دوره هم آقای هاشمی انتخابات را برد، هرچند آقای خاتمی رئیس‌جمهور شدند، اما برد برای آقای هاشمی بود و آقای هاشمی با اتکا به محبوبیتی که داشت انتقال قدرت بعد از خود را مدیریت کرد و این خیلی فرق می‌کند، حتی آقای خاتمی محبوب نتوانست در سال ۸۴ انتقال قدرت بعد از خود را منتقل کند و کشور دست احمدی‌نژاد افتاد و اینها واقعیت‌های تاریخی است.

● من هیچ‌وقت نمی‌خواهم آقای روحانی تابع اصلاح‌طلبان باشد، آقای روحانی، نه خاتمی است نه هاشمی، ما چون سیاست‌های آقای روحانی را به نفع کشور می‌دانستیم و می‌دانیم، آقای روحانی حمایت می‌کردیم. اگر هم انتقادی داریم، انتقاد متوجه این است که برخی مدیران همیای سیاست‌های آقای روحانی حرکت نمی‌کنند.

● ایشان (شهرام جزایری) پیش من رفت‌وآمد داشت و من یکی از مدیران را برای تحقیق درباره کار‌های او فرستادم. وقتی برگشت به من گزارش داد که این آدم بااستعدادی است اما تمام کار‌هایش کاغذی است و اصلاً کار سرمایه‌گذاری تაკون نکرده و خوب است شما راهنمایی‌اش کنید تا برود کار‌های واقعی انجام دهد و من همین را به شهرام جزایری منتقل کردم و یکی، دو جا هم در کرمان سرمایه‌گذاری کرد و اتفاقاً همین‌ها هم به درش خورد و وقتی دستگیر شد، سرمایه‌گذاری‌های واقعی را که کرده بود، نتوانست جواب دهد و بدهی‌هایش را از محل همان سرمایه‌گذاری‌ها پرداخت کرد؛ بچه بااستعدادی است، اما عجول است و عادت کرده بود به اینکه افراد را استخدام کند و این کار غلطی است.